

مدیر کل

جلال الدین الحسینی مؤید الاسلام
صاحب امتیاز روزنامه هفتگی
و یومیه (جبل المتین)
(عنوان مرسلات)
طهران خیابان لاله زار
نام مدیر میرزا سید حسن کاشانی
دبیر افا شیخ یحیی کاشانی
هیراز روزهای جمعه همه روزه
طبع و توزیع میشود

یومیه

جبل المتین

۱۳۱۱

طهران

قیمت اشتراك سالیانه

طهران ۳۰ قران
سایر بلاد داخله ۳۵ قران
روسیه و قفقاز ۱۰ منات
سایر ممالک خارجه ۳۰ قرانك
(قیمت يك نسخه)
در طهران يكصد دینار
سایر بلاد ایران سه شاهی است

قیمت اعلان سطرى
دو قران است

روزنامه یومیه ملی آزاد سیاسی اخباری تجاری علمی ادبی مقالات عام المنفعه

بامضا قبول و درانتشارش اداره آزاد است

پنج شنبه ۸ جمادی الاول ۱۳۲۵ هجری قمری و ۱ تیر ماه جلالی ۸۲۹ و ۲۰ ژوئن ۱۹۰۷ میلادی

کشف اخبار سری

(یا باطل الحر)

(سوفی نهاد دام و سر حقه باز کرد)

(بنیاد مکر با فلک حقه باز کرد)

(بازی چرخ بشکندش بیضه در کلاه)

(زیرا که عرض شعبده با اهل راز کرد)

این اوقات مجرای بلتیک تغییر کرده و سحرهای تازه روی کار آمده هر چه اطراف را منقوش کردند همه نبخشیدان راتنک نمودند نتیجه حاصل نشد و وعید بیم و امید تخویف و تهدید بی اثر شد تفاق و شقاق کاری از پیش نبره فتنه و فساد و جودی بخرج نداد، مخالفت و ضدیت لغو گردید اتفاق شبهه در اذهان فرو ترفت، رنگ و نیرنگ بی آب و رنگ شد، قتل و غارت بر حرص مردم افزود، ناامنی و اختلال افقه نبخشید، پس رندان جمع همدند عقلمها سرهم کردند خیالها برهم بافتند راه چاره جستند عاقبت نتیجه مذاکرات و مباحثات باتفاق آراء دو فقره ذیل شد که باید حتما و جدأ در انجام این امر کمال کوشش را مبذول دارند مگر شاهد مقصود جلوه گر شود و استبداد دوباره بر سر لطف آید آب رفته بجوی باز گردد وسیل مداخل در جیبها بریزد گره از کار فرو بسته گشوده گردد و آبروی ریخته تحصیل شود ظلم رونق گیرد پای ملت کوتاه شود و تیر امید شان بسنگ بخورد

(۱) مقررات يك تن از اشخاص جلیل القدر که بدوا در هندوستان مرتکب قتل قص کشته و در تبریز مدارس و جرائد را حرام کرده و حکم نظام السلطنته

اخراج شده و کوس رسوائی شرا بر سر بازار زده اند باجمعی اعوان و انصار هب و روز نشسته و اوراق چاپی یا جلا تینی از طرف مجاهدین قفقاز با هم چند تن غیرتمند ان وطن پرست که محل توجه ملت هستند نوشته و در طی آن اوراق از مذاهب باطله تمجید کرده و فساد عقیده طرفین را رسانده بنحوی که هر کس بخواند یقین کند که هر دو طرف بر ضد اسلامیت اقدامات دارند و غرضشان از این همه زحمت برهم زدن بنیان هر بیت مقدسه است، انکساک این اوراق بتوسط همدستان خود هر پست زده در میان ملت منتشر سازند و اذهان را از خیر خواهان مشوب نمایند (۲) آنکه مبلغی معتنا از آن پولهای حلال که بضرب چماق از ملت مظلوم گرفته اند برای کفاره گناهان و آمرزش پدران خود بمرکز کفر و شقاوت و نقطه زنده و خیانت یعنی حکام برای ان اول شفی خاتن بد فحش زشت طینت ناپاک بفرستند تا آن منبع خبانت که این دام را برای عیش مدام و صرف باده و جام گسترده در ازاء این وجه حلال نامها با هم بزرگان و وطن پرستان نوشته در ضمن انمراسلات دوستی خود را با آنان و خدمت گذاری انها را بخود دستنور برای هدم اساس حریت غراء و اشارت باینکه این ترتیبات مطابق امر او است باطراف بلاد خصوصاً طهران بفرستند و در پستخانه این اوراق ملعت گرفته دست آویز فساد و عود استبداد سازند و خلق را بواهمه افکنند از غیرتمندان اسلام پرست منحرف نمایند و بهمین وسیله حکم قتل یاقی یا اعدام یا حبس انها را صادر کنند پس بر گردن آرزو سوار شوند و در میدان

و قاحت بر اسب فصاحت سوار شده چهار نمله بتازند
(مکروا و مکر الله و الله خیر الما کربین)
هیئات که ملت بیدار شده دیگر بخواب روند و بدین
نیرنگ و فسون تن زیر بار سواری شما دهند این
شعبدها علاج درد نکند و این مهره گردانیها کار
یکام نسازد منادی صلاح بانگ حی علی الفلاح بر
کشید خواب آلودگان برخواستند چشم گشودند دوست
و دشمن شناختند ، بیهوده ندوید و باوه حرف نزنید
قلم ارباب جرئت باطل السحر شما را در کف
دارد آنچه شما در شب خیال کنید روز بهمه عالم
منتشر می سازند انروزیکه مردمان وطن پرست
مشروطیت طلب را بنام بایی گری می گرفتند و میکشید
گذشت این پلٹیک کهنه شد بلکه از شدت کهنگی
پوسیده حال فکر دیگر باید و علاج دیگر شاید

بحقیقت استقلال ملی قسم که دیگر روی استبداد
را جز درآینه خیال نخواهید دید بس کنید توبه نمائید
تا شاید قابل عفو باشید و گرنه روزی آید که هر چه
استعانه کنید در جوابتان گویند

(الان قد عصیتم من قبل و کتم من المفسدین)

وقایع ما کو

یکی از محترمین آذربایجان قصه پر غصه ما کو را
چنین بیان میکند

اقبال السلطنه ما کوئی از اول با مجلس وانجمن
مخالفت و ضدیت نموده قدغن اکید کرده بود احدی
در حدود ما کو اسم مشروطیت وانجمن بر زبان جاری
نسازد مدتی نیز بر اینحال گذشت تا آنکه از طرف انجمن
محترم تبریز یک نفر مامور شد بدان نقطه رفته فواید
و محسنات مشروطیت را باهالی حالی کند و خاق آن
ناحیه را آگاه سازد مشار الیه بما کو وارد شده در
دهات وین ایلات رفته بانطقهای شیرین مهیج ملت را
مطالع و بجانب این امر مشروع متوجه ساخت اقبال السلطنه
در صدممانت برآمده مردم بر او شوریدند و خواهرزاده اش
سالار مکرم که از سابق باوی کینه داشت موقع را مقتم
شمرده لواء مشروطیت را بلند و ملت را در تحت آن جمع
کرده اقبال السلطنه که مانع بزرگ از انتشار عدل بود
اخراج نمودند مدتی در روسیه بسر برد و اهالی باکمال
اشوق و ذوق انجمنی در ماسکو دائر ساخته مشغول
تعلیمات شدند

مستبدین در مقام هدم این بنیان مقدس برآمده
بتوسط مراسلات اقبال السلطنه را محرک شده و بهزار
اسباب چینی بین او و سالار مکرم را آشتی داده بهردو

خاطر نشان کردند که اگر تا چندی این ترتیب برقرار
ماند دست شما بکلی کوتاه و ریاست تان از میان
خواهد رفت

بالاخره تعلیمات مخفی و دستورهای لازمه بطرفین
داده شد اقبال السلطنه مراجعت بیوسالار همدست شده
انجمن ما کو را برهم زده دست شریارت دراز کرد زیاده
از سی قریه را غارت و فزون از یک صد و پنجاه نفر
نفوس محترمه را طعمه شمشیر آبیار و فشنک خون خوار
ساختند آتش بیدادشان اکنون چنین نار نمرود زبانه
میکشد و امنیت بکلی از آن نقطه سلب شده است تاکنون
بچهار فرسخی خوی خود را رسانیده و ذره از کشتار
و چپاول و بی رحمی فروگذار نکرده اند مگر خداوند
تفضای بفرماید

(اخذ حقوق)

چنانچه سابقا نکاشتیم اجزایه و مستخدمین نظمیه
چند روز قبل سر بشورشی برآورده مامور وزارت داخله را
بسیار زده یکسره برای مطالبه حقیق خود بمنزل سپهدار
رفتند یک شبانه روز در آنجا اقامت کرده بموجب قبض
حقوق خود را مطالبه نمودند

سپهدار نیز در این یک شبانه روز که در تهیه جمع
وجوهات بود پذیرائی شایانی از آنان کرده شبانه یکصد
من برنج بخته همه کی را ضیافت نموده و روز دیگر صد
از ظهیر زیاده از سی هزار تومان اشرافی و اسکناس
حاضر کرده بانان تسلیم نمود حضرتک فادان و دعاگویان
بیرون آمده باواریه حبل المتین آمده شرح واقعه و
تشکر از سپهدار نمودند و از آنجا سر خدمت خود رفتند

(انجمن اتحاد لشکر نویسان)

این فرقه لشکر نویسان باحیث فکر کردند که جهت
جیست که سرداران حقوق افواج را با توسط قلم ماکاسته
صرف تکلیفات و بیل و بارک خود سازند و دیناری بجیب
ما نرفته بدانام و بی بضاعت و دلال مظلمه عویم امروز
همه سرداران صاحب املاک و قریه و دکا کین و تجملات
و هزار چیز دیگرند و ما بدبختان که درالسنه و افواہ بدانام
شده ایم برای مخارج یومیه معضل و سرگردان بیائیم --
بهنتر چنان است که این فرقه تمام اتحاد و اتفاق نمائیم که
ازین تاریخ ببعد قلم جزا برامتی بیترستی نسیم و حفظ
مشروطیت و عدالت و خدمت ملت را پیش نهاد خاطر
سازیم بنابراین در تاریخ یک ماه قبل انجمنی منعقد نموده
جملگی هم عهد و متحد شدند که بعد از این ابتدا پیرامون
خلاقی و خیانت نکردند و ورهه نیز در این خصوص نوشته
جملگی امضاء نمودند که ذیلا درج میشود

(صورت عهدنامه لشکر نویسان)

اشخاص مفصله ذیل از طبقه لشکر نویسان و سر رشته داران دفتر لشکر که این ورقه را امضاء فرموده اند به کلام الله مجید ربانی و شرف و تاملوس اسلام و عزت آدمیت و انسانیت سوگند یاد نموده اند و عهد اتفاق بسته اند که اولاً از این تاریخ که روز جمعه چهارم شهر ربیع الثانی هذه السنه قوی ثیل ۱۳۰۳ است بهیچوجه به اختیار از صرفه جوئی مال دولت و ملت کوتاهی نکرده و ابداً پیرامون غلط کاری که نفع آنرا به خودشان یا دیگران باشد نکرده و هم حتی المقدور از غلط کاری دیگران که باید بقلم آنها جاری شود جلوگیری و ممانعت نمایند و ثانیاً هرگاه از خسارج و داخل تراجزاء دفتر لشکر یا دیگران درصدد تضییع حقوق نوکری و بردن شغل و مناصب آنها بوسیله تعارف و قدسی با وسایل معتبره دیگر برآیند بهیئت متحده و متفقه بمقام دفاع و جلوگیری برآمده تا امر انداره که قوه و قدرت دارند در حفظ مشاغل خودشان سعی و اهتمام ورزند مسلم است هرگاه از افراد این اشخاص برخلاف عهد و قسم خیانتی درمابیه دولت کردند از این هیئت متفقه بهیچوجه نسبت باین اشخاص همراهی بعمل نیامده بلکه عزل و انفصال او را از اولیاء دولت خواستار میشوند - امضاء عموم لشکر نویسان

- خلاصه مذاکرات مجلس دار الشوری -

(روز سه شنبه ۶ شهر جمادی الاولی)

مذاکره از تلگرافی که بنا بود از طرف مجلس بر مسأله عدت دستور العمل وزیر مالیه برای اخذ مالیات بشود بیان آمد چون قرار شده بود که دستور العمل تلگرافی وزیر مالیه معلوم شود تا تلگرافی که از طرف مجلس می رود اجازه مطلق در اخذ عدوت عمل نیا شد مگر همان نحوی که در مجلس رای گرفته شد و گذشته لذا صورت دستور العمل وزیر مالیه که بحکام نوشته بودند قرائت شد جمله و کلاً تصدیق کردند بر حسن ترتیب آن و قرار شد که آن تلگرافی بولایات مخایره شود مذاکره در عدل نان شیر شد که باید قرار صحیحی در این باب داده بعد از مرقعات زیاد رای اکثر بر این بود که جنس دیوانی از خالصه و مالیات املاک اربابی که قریب شصت هزار خروار میشود داخل انبار دیوانی بشود و اشخاصی که حقوق جنسی می برند چنانچه در سابق تسخیر میشد بقیمت نازله و بانهاداده میشد حال بقیمت عادلانه تسخیر بشود و قدا بانها بر داخه و جنس داخل انبار دولت شود که بخیز خنه بقیمت عادلانه فروخته شود تا دیگر اسباب احتکار نشوند بصد از تهیه جنس

بقدر خوراک سالیانه شهر آنوقت کمپانی معام شده با قرار صحیح باو واگذار شود قرار بر این شد که قدری در این مسئله مدافه کرده پس فردا رای گرفته شود در خصوص عمل گوشت مذاکره بمیان آمد لایحه که جمعی از نجار و صرافان داده بودند قرائت شد که مایست و پنجتن شریک میباشیم صد هزار تومان وجه اشتراک برای عمل گوشت نقد میکنیم ده ساله کمپانی می نمائیم تابستان چهار عباسی بهار و بانیز یکقران زمستان شش عباسی می فروشیم تا دو فرسخی اطراف شهر بشرط اینکه مرتع قورق دولتی بشرکت واگذار شود و بره کشتی در اطراف شهر نشود عمل روده و پوست باشرکت باشد بردن پوست بره خارجه ممنوع شود تقنیش در این مطالب را بعهده شرکت واگذار نمایند مالیات و تحمیلات را بکلی از قصاب خانه بردارند کشتن گاو و کوساله جزو کونترات شرکت باشد شرکت باقتضای وقت بتواند قصابخانه را تغییر بدهد بعد از انقضای مدت مطالبات شرکت و مخارجات لازمه که کرده و حق دارد دولت بقیمت عادلانه بخرد و بعد از آن اگر کسی بخواهد باین شرایط کونترات کند شرکت مقدم باشد

لایحه دیگری در این باب از طرف انجمن تجارت قرائت شد که علاوه بر این شروط شروط شدیده دیگر هم داشته بود و نرخ گوشت کران تر بود

لایحه دیگری از طرف قصابها بود چون خیلی خارج و بی ربط بود گفتند قابل قرائت نیست و قرار شد که آن صورتها را در کمیسیون تصحیح و تنقیح کنند مد مذاکره شود

محشم السلطنه آمدند تلگرافی از بروجرده اظهار داشتند که شاهزاده سالارالدوله شب شنبه سیم فرار کردند رفتند بخرم آباد و عیالاتش را در اینجا گذاشتند و دیگر اظهار داشتند که نظر هم از حرکت خود نادم شده ملحق باردوی دولتی شد جناب ظهیر الدوله هم مامور شدند برفتن بکرمانشاه برای اصلاح و ترتیب انجمن آنجا و تحقیق و رسیدگی در اغتشاشات و رفع مخاصمه و منازعه بین طرفین و فرستادن آنها را بدار الخلاله تلگرافی هم از تبریز رسیده است که اغتشاش ماکو هم رفع و اصلاح شد

منازعه بین رؤساء بختیارها هم رفع شد بواگذاردن ریاست را بصمصام السلطنه و شهاب السلطنه هر دو چنانچه سابقا بود

مذاکره در باب وقت مجلس و نیامدن و کلاً بوقت و حقوقشان بمیان آمد بی نتیجه ماند

(تشریفات خارجه)

(۶ شهر جمادی الاولی)

از لندن ۱۰ ژون نا بر خبر تلگرافی واصله در شهر
مکزیک مسیو کابریا رئیس جمهوری کواستیمالا (از
ممالک جنوبی امریکای مرکزی است هدی کوله شده
و بقتل رسیده است

صورت قوانین اساسی مملکت ار از بطیم رسیده فصول
اصول آن تقریباً شبیه بقوانین اساسی طرانسوال است و
همان حقوق بجهت دولت انگلیس منظور است که در قانون
طرانسوال مقرر است

روسولتر رئیس جمهوری امریکایریکی از نقاط امریکایمجمعی را
مخاطب ساخته و بیاناتی نموده منجمله اینکه باید مالیات و عوارض
مخصوص معتدلی برای و اول و علاقیات موروئی بگذارند
باین ترتیب که هر چه مقدار آن علاوه شود نسبت معینی
بمقدار عوارض افزوده شود

روزنامه طیمس از قرار خبری که تحصیل نموده
هیضی پاشا والی یمن تلگرافی بتاریخ پنجم ژون بیابالی
عرض کرده مبنی بر یاس و مشعر بر اینکه اشرار عرب
یمنی کار رابر قشون دولتی زار کرده و عرصه کار زار را
بانها تنگ گرفته و مغلوبشان نموده بحدی که اگر وجه
تقد و قورخانه بموقع نرسد علاج پذیر نخواهد بود دیگر
اهالی سارا که هلا محصوراند تار سیدن کمک و استعداد
تاب مقاومت نخواهند داشت و ناچار تسلیم خواهند شد
اخبار واصله از واشنگتن حاکی بر این است که وضع
و گفتگوی ژاپونیان سخت و اسباب اضطراب قلوب است
و محصل است که مسافرت دوستانه مسیو تفت وزیر خارجه
امریکا بزایون بمأموریت مهمه رسمانه مبدل گردد
از لندن ۱۲ ژون نمایندگان دول معظمه در طنجه
متفقاً مصمم گشته اند که اجرای قرار جدید مخفی را که
درین دولت مراکش و کپانی آلمانی بسته شده مانع
گردیده و مجاز ندارند

از قرار خبر فوق العاده پانزدهم ژون بحران عظیمی
برای مجلس دو ما پیش آمده استلو بین صدراعظم جداً
از مجلس خواسته است که پنجاه و پنج نفر از اجزای
دومارا که معروف اند بر اینکه در صدد اسباب چینی
برای مقدمات جمهوری در روسیه هستند از مجلس اخراج شوند
و شانزده نفر از آنها دستگیر و حبس شوند
مجلس دو ما با وجود عدم رضایت دولت این مسئله
را رسم بانجمن مخصوص نموده اند ولی با وصف این حال انفصال دوما
در اذهان و خاطر قریب الوقوع است

(عریضه)

توسط جناب مستطاب اجل آقای صنیع الدوله رئیس
حضور مبارک امنای مجلس مقدس شید الله ارکانها
از قرار مذکور نصر الدوله و کالة از طرف قوام الملک
لایحه به مجلس مقدس عرض کرده که عارض ایشان
تقصیر ایشان چیست

این بنده از طرف موکابین خود که طایفه قشقایی
است متظلم است در هر محضری که مقرر شود تمدی و
تقصیر ایشان را ثابت و مدلل ندارد مسم است بعد از
ثبوت تمدی و تقصیر تمیز مجازات خواهد شد (المبذرج الله)

تشکر

جناب حاجی محمد باقر آقای کاشانی از راه معارف
پروری مبلغ ده تومان بمدرسه علمیه کاشان اعانه فرموده اند
از این خدمت مغزی الیه بمسلم علم و معارف متشکر
و ممنونیم

(قتل نفس)

شب چهارشنبه هفتم شهر حال يك نفر ارمنی که
اسمش (سیمون) است در حسن آباد کشته و قاتل تاکنون
معلوم نیست ولی جداً در صدد جستجو هستند دو
شب قبل از این واقعه يك نفر مستخدم سفارت عثمانی
را در خیابان اسماعیل بزاز کشته اند

(اعلان)

مسیو فراتر بایر یکی از اعضاء قدیم کنی اطریش
که بتازگی از دنیا رحلت کرده است بیست و پنج سال
قبل در طهران مفارقه برای وار دات و صادرات امته
اطریش و آلمان و فرانسه در بازار دائر کرده و بواسطه
امانت و درستکاری خود محل اطمینان تمام تجار ایرانی
گردیده از طرف اعلیحضرت شاه شهید بدو نشان مفتخر
وسر بلند گردیده بود و هر قسم اجناس بلور آلات و
عیره را برای تجار وارد میکرد

شش سال قبل باتفاق و همدستی عیالش يك
مفازة برای فروش امته فوق در خیابان علاء الدوله
دائر ساخته و همان طور محل توجه کنی اطریشی بود
این اوقات که وفات کرده عیالش مادام لوتیز بایر
همان کارها را عاده کرده عنوانش همان عنوان سابق است
که در ذیل نوشته میشود

(ف ، بایر ، کمپسیون و ارادات)

از عموم تجار محترمین مستدعی است که همان
اطمینان و توجهی که با هورش مسیو بایر داشتند باو
نیز داشته رجوعات خود را محول فرمایند

حسن الحسینی الکاشانی